

A qualitative study of the process of children's adaptation to divorce of parents

Abstract

Adapting to the divorce of parents is one of the challenges that the children of divorce face, the absence of which can cause adverse consequences for the children of divorce and the society. The current research was conducted with the aim of qualitatively studying the process of children's adaptation to parents' divorce, in 1401 using the grounded theory method. The participants of the research are children of divorced girls living in Tehran who were between 20 and 30 years old and at least 5 years have passed since their parents' divorce. The findings from the semi-structured interview with 12 participants were based on the principle of theoretical saturation, and the findings were analyzed using the Strauss and Corbin method. Analyzing the data obtained from the interview in the field of qualitative study of the process of children's adaptation to parental divorce, led to the identification of 11 core codes of "resilience", "support networks", "favorable economic situation", "quality of parenting", "acceptance of divorce by parents", "getting away from stressful situations", "environmental and peripheral factors", "effective coping", "maintaining dynamism", "cognitive reframing", "growth after trauma" and "active self-care" were selected. The results of this research, while increasing insight into the process of adapting to parental divorce, provide sufficient ground for developing educational and practical programs with the aim of increasing adaptation to parental divorce and can greatly reduce the harm caused by parental divorce.

Keywords: adaptation, children's adaptation, divorce of parents, children of divorce.

مطالعه کیفی فرایند سازگاری فرزندان با طلاق والدین

۱- زهره صالح بیگی

۲- ابوالفضل حاتمی ورزنده

۳- کیومرث فرحبخش

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
دکتری تخصصی مشاوره، استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.

دکتری تخصصی مشاوره، دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۹

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۹/۲۸

چکیده

سازگاری با طلاق والدین یکی از چالش‌هایی است که فرزندان طلاق با آن مواجه هستند که عدم وجود آن می‌تواند پیامدهای نامطلوبی بر فرزندان طلاق و جامعه ایجاد کند. پژوهش حاضر با هدف مطالعه کیفی فرایند سازگاری فرزندان با طلاق والدین، در سال ۱۴۰۱ با استفاده از روش گراند تئوری انجام گرفته است. مشارکت‌کنندگان پژوهش، فرزندان طلاق دختر ساکن تهران که بین ۲۰ تا ۳۰ سال بودند و حداقل ۵ سال از طلاق والدینشان گذشته است. یافته‌های حاصل از مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۲ مشارکت‌کننده بر اساس اصل اشباع نظری ادامه یافت و تجزیه و تحلیل یافته‌ها با استفاده از روش استراوس و کوربین صورت گرفت. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه در زمینه مطالعه کیفی فرایند سازگاری فرزندان با طلاق والدین، منجر به شناسایی ۱۱ کد محوری «تاب آوری»، «شبکه‌های حمایتی»، «موقعیت اقتصادی مطلوب»، «کیفیت والدگری»، «پذیرش طلاق توسط والدین»، «دور شدن از شرایط تنش‌زا»، «عوامل محیطی و پیرامونی»

«مقابله کارآمد»، «حفظ پویایی»، «چارچوب بندی مجدد شناختی»، «رشد پس از ضربه» و کد انتخابی «مراقبت فعالانه از خود» گردید. نتایج حاصل از این پژوهش ضمن افزایش بینش نسبت به فرایند سازگاری با طلاق والدین، زمینه کافی برای تدوین برنامه‌های آموزشی و کاربردی را با هدف افزایش سازگاری با طلاق والدین فراهم می‌آورد و می‌تواند آسیب‌های ناشی از طلاق والدین را تا حد زیادی کاهش دهد.

واژگان کلیدی: سازگاری، سازگاری فرزندان، طلاق والدین، فرزندان طلاق.

مقدمه

خانواده به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین بسترهای یادگیری و انتقال فرهنگ در جامعه می‌تواند در زمینه‌های مختلف از جامعه تأثیر پذیرد. فرهنگ ایرانی نیز بر نقش و اهمیت خانواده در رشد و بالندگی فرزندان تأکید کرده است و خانواده را به‌عنوان رکن اصلی جامعه قرار می‌دهد و مهم‌ترین عامل گسستگی این بنیاد ارزشمند را طلاق یا متارکه برمی‌شمارد (عزیزی، ۱۴۰۰). طلاق تعادل اعضای خانواده را به هم می‌زند و موجب تضعیف کارکرد آن می‌شود (قره داغی و میبینی کشه، ۱۳۹۹).

طلاق فرایندی است که در آن زوجین بحران عاطفی را تجربه می‌کنند (کرسپین و هوت، ۲۰۲۱) و بر کلیه اعضای خانواده به‌ویژه بر فرزندان تأثیر می‌گذارد (داهلیا و تارتیلا، ۲۰۲۰). همچنین یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین منابع استرسی است که فرزندان با آن روبه‌رو می‌شوند (کارلا و پتروگیانیس، ۲۰۲۰^۳) و آن‌ها را به پیام‌آورانی بین والدین خود تبدیل می‌نمایند (آلبانسی، ۲۰۲۰، ص ۱۸۹). طلاق والدین موجب افزایش پریشانی روانی، افسردگی و مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان می‌شود که آن را به چالشی مبرم برای بهداشت عمومی در جامعه تبدیل می‌نماید (تولیوس، کرون، آلمانسا و ریجنولد، ۲۰۲۰^۵). احساس خجالت از تجربه طلاق والدین، مشکل در تمرکز، ازدست‌دادن احترام نسبت به والدین و سرزنش آن‌ها از دیگر تأثیرات ناشی از طلاق والدین است (ویبسونو و ناپیتوپولو، ۲۰۲۲). سالواتور، آگن و کندلر (۲۰۲۲) در پژوهش خود با عنوان نقش طلاق و اختلاف والدین در انتقال بین‌نسلی مصرف الکل در فرزندان، نشان دادند طلاق والدین و شرایط

^۱Crespin-Boucaud, J., & Hotte, R.

^۲Dahlia, & Tartilla, N.

^۳Karela, C. & Petrogiannis, K.

^۴Albanese, P.

^۵Tullius, M.I., Kroon, M.I., Almansa, J. & Reijneveld, S.A.

^۶Wibisono, N. B., & Napitupulu, S. S.

^۷Salvator, J.E., Aggen, S.H. & Kendler, K.S.

نامطلوب قبل و بعد از آن می‌تواند در گرایش افراد به مصرف الکل نقش داشته باشد و نوجوانان در خانواده‌های طلاق نسبت به خانواده‌های عادی با احتمال بیشتری به سمت روابط جنسی پرخطر گرایش پیدا می‌کنند. همچنین گاریگا و پنونی^۱ (۲۰۲۰) در مطالعه خود در زمینه‌ی تأثیر طلاق بر سلامت روان فرزندان نشان می‌دهند که رابطه والدی ضعیف و پر از تعارض بعد از طلاق، بر مشکلات رفتاری فرزندان تأثیر زیادی داشته است.

در پدیده طلاق، سازگاری فرزندان در تمام ابعاد روان‌شناختی، جسمانی، معنوی و اجتماعی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و این امر موجب کاهش عملکرد و نارضایتی از زندگی خواهد شد (بلالی، اعتمادی و فاتحی‌زاده، ۱۳۹۰). عیوض‌خانی، سهرابی ملا یوسف و جعفری کلپیر (۱۴۰۰) در پژوهش خود به بررسی مشکلات اجتماعی، عاطفی و هیجانی در دانش‌آموزان طلاق پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که دانش‌آموزان از مشکلات هیجانی، عاطفی و اجتماعی بیشتر و سلامت روان کمتر رنج می‌برند؛ همچنین ناسازگاری روان‌شناختی و مشکلات اجتماعی بیشتری را تجربه می‌کنند. از آن جا که تأثیرات ناشی از طلاق می‌تواند ایجادکننده بسیاری از اختلالات رفتاری، جسمی و روانی در فرزندان طلاق باشد و در زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها تأثیرات نامطلوبی بگذارد (زمانی زارچی، لواسانی، اژه‌ای، حسین‌زاده اسکویی و صمدی کاشان، ۱۳۹۷) و همچنین آن‌ها را با نیازهای ویژه و مشکلات سازگاری مواجه کند (کریمی، محمدی، غضنفری و علی کریمی، ۱۴۰۰)؛ در نتیجه توجه به عوامل اثرگذار در سازگاری با طلاق والدین از اهمیت بسیاری برخوردار است.

لاوتون^۲ (۲۰۱۰) سازگاری را توانایی مدیریت واکنش‌های خود در مواجهه با موقعیت و شرایط استرس‌زا و تنش‌زا می‌داند. به بیان دیگر سازگاری مجموعه واکنش‌ها و رفتارهایی است که فرد در پاسخ به موقعیت جدید از خود نشان می‌دهد تا مسئله را به نفع خود حل کند

^۱Garriga, A & Pennoni, F

^۲Lawton, A.

(امانی، اعتمادی، فاتحی زاده و بهرامی، ۱۳۹۱). به اعتقاد برزونسکی و کوک (۲۰۰۵) سازگاری به ایجاد آگاهانه رابطه‌ای رضایت‌بخش بین فرد و محیط زندگی او دلالت دارد؛ همچنین فرد سازگار شخصی است که توانایی برقراری تعادل بین محیط مادی و اجتماعی خود را دارد، به طوری که نتیجه این تعادل ثبات عاطفی برای فرد است (نریمانی، عباسی، ابوالقاسمی و احدی، ۱۳۹۲). دان لوپ^۲ (۲۰۲۲) در زمینه سازگاری نوجوانان با طلاق والدینشان، نشان داد که سطوح درک شده از شادکامی خانواده، درجه تعارض خانوادگی و کیفیت رابطه والدین و فرزندان در سازگاری آن‌ها با طلاق والدینشان اثرگذار است. مطالعه کمی که توسط افیفی، هابر و اوهرس (۲۰۰۶) انجام شده است، نشان می‌دهد که کیفیت ارتباط نوجوانان و والدینشان رابطه مثبتی با توانایی نوجوانان برای سازگارشدهن با طلاق والدین دارد (سوماری، سوبرامانیام و خلید^۴، ۲۰۲۰). پژوهش عبدی، نظری و پور ابراهیم (۱۳۹۲) در زمینه تاثیر برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق (CODIP^۴) بر میزان سازگاری آنان، نشان می‌دهد که برنامه مداخلاتی در افزایش ابراز احساسات کودکان و نگرش مثبت آنها نسبت به طلاق والدینشان، بهبود رابطه کودکان با والدین و همسالانشان و افزایش کاربرد مهارت‌های حل مسئله مؤثر بوده است. آسپرگ^۵، ولسک، پونوسنی و بارس (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیرات بلندمدت طلاق بر فرزندان پرداخته بودند، نتایج پژوهش حاکی از آن بود که استرس ناشی از ناامنی عاطفی با افزایش خطر مشکلات سازگاری در نوجوانی، مشکلات تحصیلی و خلق افسرده ارتباط معناداری دارد. به اعتقاد یاریگروش (۱۴۰۱) عدم سازگاری فرزندان با طلاق پیامدهای اجتماعی و روانی زیادی برای فرزندان به همراه دارد. با توجه به موجودیت مسئله طلاق در جوامع و با در نظر گرفتن آسیب‌های ناشی از طلاق والدین بر سلامت روان فرزندان و جامعه و نیازمندی آن‌ها به سازگاری با این رویداد، تاکنون پژوهش‌های قابل توجهی در ایران که فرایند سازگاری با طلاق والدین را بررسی نماید و مدلی در این زمینه ارائه نماید، صورت نگرفته است. این تحقیق بر آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که فرایند سازگاری فرزندان با طلاق والدین چگونه است؟

^۱Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S.

^۲Dunlop, R.

^۳Afifi, T. D., Huber, F. N., & Ohs, J.

^۴Sumari, M., R. Subramaniam, S. D., & Md Khalid, N.

^۵Auersperg, F., Vlasak, T., Ponocny, I., & Barth, A.

با در نظر گرفتن گسترش طلاق در جامعه ما و اهمیت پیشگیری از آسیب‌های بیشتر، مطالعه فرایند سازگاری در فرزندان طلاقی که با طلاق والدین خود سازگار شده‌اند از آن جهت حائز اهمیت است که با شناخت عوامل مؤثر در سازگاری فرزندان با طلاق والدین، در درجه اول می‌توان در رابطه با سازگاری فرزندان هنگام مواجه شدن با پدیده ناخوشایند طلاق والدینشان گامی برداشت و همچنین این امکان فراهم می‌گردد که راهبردهای کارآمدتری در اختیار والدین برای آماده‌سازی فرزندان در زمان رویارویی با پدیده طلاق قرار گیرد. همچنین یافته‌های جدیدتر در این زمینه می‌تواند معلمان، مشاوران، روان‌شناسان و همه افراد دخیل در حوزه مسائل فردی و خانوادگی را در به‌دست آوردن بیش بهتر در ارتباط با فرزندان طلاق و سازگاری آن‌ها با این پدیده یاری کند و باعث تجهیز آنان در حمایت از رشد و پویایی فرزندان طلاق شود و در نتیجه در سطح گسترده تری برای جامعه مفید باشد.

روش پژوهش

در این پژوهش به منظور بررسی فرایند سازگاری فرزندان با طلاق والدین از روش تحقیق کیفی داده بنیاد یا گراند تئوری (زمینه‌ای، مبنایی یا برخاسته از داده) استفاده شده است. روش داده بنیاد غالباً در ارتباط با مفاهیمی استفاده می‌شود که اطلاعات محدود و مبهمی در ارتباط با آن‌ها در دسترس است. جستجوهای پژوهشگر نشان‌دهنده آن است که در زمینه فرایند سازگاری فرزندان با طلاق والدین، مدلی مبتنی بر دانش بومی و بافتی موجود نیست؛ بنابراین نسخه سیستماتیک نظریه داده‌بنیاد در این تحقیق استفاده شده است. در روش

سیستماتیک استراوس و کوربین^۱ (۱۹۹۰)، محقق از مدل پارادایمی استفاده می‌کند تا یک چهارچوب نظری تولید کند.

جمعیت مورد پژوهش دختران ساکن شهر تهران بودند که پدر و مادرشان حداقل ۵ سال قبل طلاق گرفته‌اند و در بازه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال قرار داشتند و با طلاق والدینشان سازگار شدند. در پژوهش حاضر انتخاب مشارکت‌کنندگان به روش هدفمند و در دسترس انجام شده است. بدین صورت که افراد برحسب تجربه‌ای که در ارتباط با پدیده سازگاری با طلاق والدین داشتند، در پژوهش شرکت کردند. روند جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی ادامه داشت که محقق به اطلاعات تازه دیگری دست پیدا نکرد و پژوهش حاضر با ۱۲ مشارکت‌کننده به اشباع نظری رسید. مشارکت‌کنندگان از بین افراد واجد شرایط و معیار انتخاب شدند که به شرح زیر است: (۱) دختران ساکن تهرانی که بین ۲۰ تا ۳۰ سال داشتند؛ (۲) حداقل ۵ سال از طلاق والدین گذشته باشد؛ (۳) فرزندان طلاق که خودشان را به عنوان فردی سازگار با طلاق والدین می‌شناختند و در پرسشنامه سازگاری بل فرم بزرگسالان نمره سازگاری متوسط و خوب را کسب کرده بودند؛ (۴) وقت کافی و رضایت کامل از انجام مصاحبه را داشتند.

در این پژوهش جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. در فرایند مصاحبه پس از مطرح کردن سؤالات اصلی، با در نظر گرفتن پاسخ مشارکت‌کنندگان برای فهم عمیق‌تر و بیشتر موضوع، سؤالات پیگیرانه نیز مطرح گردید. در ابتدا سؤالی در ارتباط با این مسئله که سازگاری با طلاق والدین اتفاق افتاده است یا خیر پرسیده شد سپس سؤالی باز و کلی در ارتباط با نحوه سازگاری فرد با طلاق والدین مطرح شد. از آنجایی که این نوع مصاحبه منعطف است، بر اساس پاسخ مشارکت‌کنندگان، سؤالات بعدی در جهت فهم عمیق‌تر پدیده و فرایند سازگاری با طلاق والدین، مطرح شد. تعدادی از سؤالات مصاحبه به شرح زیر است: (۱) آیا شما با طلاق والدین خود سازگار شده‌اید؟؛ (۲) نحوه سازگاری شما

^۱ Strauss, A. & Corbin, J.

با طلاق والدین به چه صورت بوده است؟؛ ۳) فکر می‌کنید چه عوامل و چه افرادی در جهت سازگارشدن شما با طلاق والدینتان مؤثر بوده‌اند؟؛ ۴) شما برای سازگارشدن با طلاق والدینتان چه اقداماتی انجام دادید؟؛ ۵) سازگاری با طلاق والدین چه نتایج و پیامدهایی برای شما داشته است.

جهت اجرای پژوهش پوستری با در نظر گرفتن ملاک‌ها و شرایط ورود به پژوهش و مطرح کردن اصل رازداری، در شبکه‌های داخلی موجود در فضای مجازی منتشر گردید و از افراد خواسته شد تا اگر شرایط ورود به پژوهش را دارا هستند، در این مطالعه مشارکت نمایند. سپس هماهنگی‌های لازم جهت تماس تلفنی با مشارکت‌کنندگان صورت گرفت. در هر مصاحبه محقق بعد از معرفی خود و برقراری ارتباط حسنه بر اصل رازداری در پژوهش تأکید ورزید تا مشارکت‌کنندگان با خاطری آسوده به گفت‌وگو بپردازند. همچنین اجازه لازم برای ضبط گفت‌وگو از تک‌تک مشارکت‌کنندگان دریافت شد. سپس پژوهشگر در ارتباط با اهداف کلی پژوهش توضیحاتی را مطرح کرد تا مشارکت‌کنندگان با دید بازتری به طرح مسائل بپردازند. مصاحبه‌ها به طور میانگین حدوداً ۴۵ دقیقه به طول انجامید؛ همچنین بعد از ضبط و پیاده‌سازی هر مصاحبه، با دقت به کدگذاری و تجزیه و تحلیل آن پرداخته شد و مصاحبه بعدی با در نظر گرفتن مفاهیم و کدهای مصاحبه قبلی و همچنین در جهت یافتن کدهای جدید انجام گرفت.

فرایند تحلیل داده طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفت. در کدگذاری باز پس از مطالعه متن اصلی هر مصاحبه جمله‌های اصلی آن استخراج و مشخص و به صورت کدهایی ثبت شد، سپس شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در آن‌ها بررسی شد و کدهای ایجاد شده بر اساس وجوه اشتراک و شباهت‌هایی که از نظر محتوایی با یکدیگر داشتند، در یک دسته یا مقوله قرار گرفتند. دسته‌بندی‌ها به گونه‌ای انجام شد که اجزای

تشکیل دهنده هر مقوله با یکدیگر تا جای امکان هماهنگ و شبیه، اما با عناصر تشکیل دهنده مقوله‌های دیگر متفاوت باشند. در مرحله کدگذاری محوری نیز هر تعداد از کدهایی که به لحاظ مفهوم و خصایص مرتبط بودند، گردآوری شده و به محوری یک مقوله جدید سازماندهی شدند. در حقیقت در این مرحله کدها و مقوله‌های اولیه‌ای که در کدگذاری باز تعیین شدند، با یکدیگر مقایسه و سپس موارد مشابه ادغام و مقوله‌های مرتبط با هم حول محور مشترکی قرار گرفتند. سپس برای کدهای مشابه که در یک طبقه قرار گرفته بودند، عنوان مناسب انتخاب شد و در نهایت کدگذاری گزینشی یا انتخابی نیز با استفاده از انتخاب مفاهیم و موضوعاتی که در استخراج مضمون اصلی پژوهش مؤثر به نظر می‌رسیدند، دنبال شد و پژوهشگر با توجه به یافته‌های مرحله قبل، ارتباطی ساختارمند میان مقوله‌ها ایجاد کرد. در این گام باهدف یکپارچه‌سازی و پالایش داده‌ها، به منظور استخراج مقوله اصلی، مقوله‌ای که عمده مقوله‌های پدیدآمده در مراحل قبل به طور نظری به آن مرتبط می‌گردند، مشخص شد.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش ۱۲ مشارکت‌کننده حضور داشتند که میانگین سنی آن‌ها ۲۵ سال است و کمترین سن ۲۱ سال و بیشترین سن ۳۰ سال می‌باشد.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی

ردیف	سن	وضعیت	سن مادر	سن پدر	تعداد فرزندان	سال‌های گذشت از طلاق والدین
۱	۲۴	مجرد	۵۶	۵۸	۲	۱۰ سال
۲	۲۳	متاهل	۴۸	۵۶	تک‌فرزند	۱۴ سال
۳	۲۳	مجرد	۵۶	۵۸	تک‌فرزند	۵ سال

۴	۲۳	متأهل	۳۸	۵۰	۲	۵ سال
۵	۲۵	مجرد	۵۴	۵۸	۲	۵ سال
۶	۲۱	مجرد	۴۵	۵۵	تک‌فرزند	۷ سال
۷	۳۰	متأهل	۴۹	۵۳	۴	۵ سال
۸	۲۳	مجرد	۵۵	۵۹	تک‌فرزند	۱۴ سال
۹	۲۵	مجرد	۴۸	۵۲	۳	۵ سال
۱۰	۳۰	مجرد	۵۰	۶۱	۳	۶ سال
۱۱	۲۶	مجرد	۵۰	۶۵	۴	۱۲ سال
۱۲	۲۷	مجرد	۴۵	۵۰	تک‌فرزند	۸ سال

جدول ۲. کدهای محوری و باز فرایند سازگاری با طلاق والدین

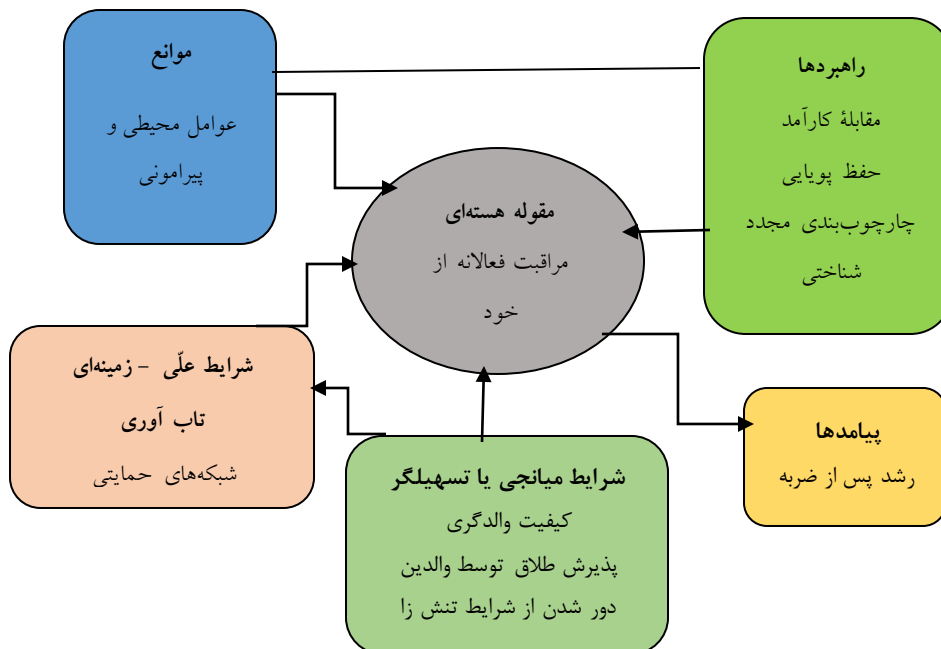
اجزای الگو	کد محوری	کد باز
عوامل علی		انعطاف پذیری؛ وفق دادن با شرایط؛ تلاش برای بهبود اوضاع؛ چالش پذیری
موثر در سازگاری با طلاق والدین	تاب آوری	عدم توقع از اطرافیان؛ کم توقعی مالی حفظ روحیه امیدواری؛ صبور بودن و خودکنترلی
عوامل زمینه ساز موثر در سازگاری با طلاق والدین	شبکه‌های حمایتی	افزایش روحیه‌ی حمایت‌گری و تجربه صمیمیت مضاعف در همشیره‌ها؛ تک‌فرزند نبودن افراد حمایت عاطفی و مالی خانواده گسترده؛ دسترس‌پذیری و مجاورت مکانی آن‌ها؛ گوش‌دادن غیرقضاوتی خانواده گسترده؛ دغدغه‌مندی و توجه خانواده گسترده

هم‌صحبتی با دوستان؛ دریافت درک و همدلی از آن‌ها؛ پذیرفته شدن از سوی جمع؛ داشتن روابط اجتماعی		
ازدواج فرزندان طلاق و داشتن رابطه عاطفی مثبت و آرامش‌بخش؛ مورد توجه بودن و دوست داشته شدن از جانب همسر؛ موفقیت در ازدواج؛ پشتیبانی همسر		
موقعیت اقتصادی مطلوب	شرایط مالی مطلوب؛ عدم وابستگی مالی به پدر؛ اشتغال مادر از ابتدا	
کیفیت والدگری	همکاری والدین برای سازگاری فرزند؛ ارتباط والدین با یکدیگر بعد از طلاق برای رشد فرزند؛ عدم بدگویی والدین از یکدیگر و مرور خاطرات تلخ؛ قدردانی از فرزند برای تحمل شرایط؛ نشان دادن اهمیت و توجه؛ عدم طرد کردن؛ تلاش برای حال خوب فرزند؛ مدارا و پذیرش در برابر کج خلقی‌های فرزند	
عوامل مداخله گر موثر در سازگاری با طلاق والدین	پذیرش طلاق توسط والدین	برخورد معقول والدین با طلاق؛ عدم وجود نگرش منفی نسبت به طلاق خود
	دور شدن از شرایط تنش‌زا	تجربه تنش‌ها و تعارضات والدینی قبل از طلاق؛ آگاهی از احتمال قریب‌الوقوع طلاق والدین؛ شرایط مطلوب زندگی بعد از طلاق؛ کاهش تعارضات والدین با طلاق
موانع سازگاری با طلاق والدین	عوامل محیطی و پیرامونی	ازدواج مجدد والدین پس از طلاق؛ اعتیاد پدر؛ عدم تغییر مکان و محل زندگی پس از طلاق والدین

دریافت خدمات زودهنگام روان‌درمانی؛ داشتن روان‌درمانگر خوب	
ارتباط با افرادی با شرایط یکسان؛ احساس درک، پذیرش و همدلی از این افراد؛ احساس عدم تنهایی در داشتن تجربه طلاق والدین؛ الگوگیری از افراد موفق در این تجربه	مقابله کارآمد
معنویت؛ تلاش برای ارتباط قوی با خدا؛ شکرگزاری	
تحلیله هیجانی؛ توانایی شناخت و تجربه هیجانانگ؛ صحبت در مورد هیجانانگ	
فعالیت بدنی مناسب و مداوم؛ تخلیه خشم و هیجانانگ منفی از طریق ورزش؛ تماشای فیلم و گوش دادن به پادکست؛ نقاشی کردن؛ سفر به مناطق جدید	راهبردهای موثر در سازگاری با طلاق والدین
مطالعه به عنوان سپروانی برای آرامش فکر و دلگرمی؛ پژوهش در مورد علل طلاق امید به رشته تحصیلی و پیشرفت؛ هدفمندی؛ پیگیری آرزوها و رویاها؛ پیگیری اهداف تحصیلی	حفظ پویایی
تحصیل در رشته‌های یاورانه روانشناسی، مشاوره و علوم تربیتی	
استقلال مالی؛ اشتغال به کار مورد علاقه؛ احساس تاثیرگذار و مفید بودن؛ اشتغال به کار از سنین کم؛ کاهش افکار منفی با اشتغال	
معنادگی به رنج و زندگی؛ درک ظرفیت زیاد افراد در رنج؛ تغییر ارزش‌ها و معنای زندگی؛	چارچوب بندی مجدد شناختی

تغییر نگرش فرزندان نسبت به طلاق؛ پذیرش طلاق والدین توسط فرزندان درک نقش موثر خود؛ عدم پذیرش نقش قربانی		
توانایی درک افراد؛ همدلی کردن با والدین؛ مهربان شدن با دیگران؛ کاهش قضاوت‌گری رشد شخصیتی؛ خودآگاهی با طلاق والدین؛ خودکامی و تمرکز روی خود؛ جرئت‌ورزی کاهش وابستگی؛ تلاش برای ساخت هویت جدید و مستقل	رشد پس از ضربه	پیامدهای مدل سازگاری با طلاق والدین

شکل ۱. الگوی فرایند سازگاری فرزندان با طلاق والدین



بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف تدوین الگوی فرایند سازگاری فرزندان با طلاق والدین صورت گرفته است. مدلی که با تکیه بر تجارب فرزندان در مواجهه با طلاق والدین، قادر به تبیین فرایند سازگاری آنان باشد. سازگاری فرزندان با طلاق والدین به‌عنوان مفهومی چندبعدی مستلزم برآیندهایی در جریان تسهیل سازگاری فرزندان با طلاق والدین است. الگوی مفهومی استخراج شده بیانگر چگونگی تعامل عوامل متعدد دخیل در این فرایند است. برخی از یافته‌های این پژوهش مانند شبکه‌های حمایتی، چارچوب بندی مجدد شناختی مطابق با پژوهش‌های پیشین و برخی از یافته‌ها مانند وضعیت اقتصادی مطلوب، حفظ پویایی، مقابله کارآمد، رشد پس از ضربه و مراقبت فعالانه از خود منحصر به این پژوهش است.

مطابق مدل پارادایمی یافته‌ها، آنچه به‌عنوان عوامل مؤثر در فرایند سازگاری فرزندان با طلاق والدین استخراج شد عبارت است از شرایط علی- زمینه‌ای شامل «تاب‌آوری»، «شبکه‌های حمایتی»، «وضعیت مطلوب اقتصادی»؛ عوامل مداخله‌گر شامل «کیفیت والدگری»، «پذیرش طلاق توسط والدین» و «دورشدن از شرایط تنش‌زا» که در فرایند سازگاری نقش داشتند. همچنین مطابق یافته‌های این پژوهش «مقابله کارآمد»، «حفظ پویایی» و «چارچوب بندی مجدد شناختی» در بخش راهبردهای به کار گرفته شده در مواجهه سازگاران با طلاق والدین طبقه‌بندی شده‌اند و «رشد پس از ضربه» بدین ترتیب به‌عنوان پیامد سازگاری با طلاق والدینی در نظر گرفته شده است. در نهایت با توجه به برآیند یافته‌های پژوهش «مراقبت فعالانه از خود» به عنوان کد انتخابی این پژوهش چارچوبی برای الگوی حاضر فراهم می‌آورد که بیانگر این مسئله است که فرزندان نقش مؤثری در سازگاری با طلاق والدین خود دارند و می‌توانند از اقدامات و منابع حمایتی زیادی در مواجهه با این مسئله بهره‌مند گردند تنها در صورتی که بخواهند و تلاش نمایند.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، تاب‌آوری به‌عنوان ویژگی بارز فرزندان سازگار با طلاق والدین مورد تأکید قرار گرفته است؛ تاب‌آوری بیانگر انعطاف‌پذیری شناختی، حفظ روحیه امیدواری و مثبت‌نگری نسبت به طلاق والدین است که توسط مشارکت‌کنندگان گزارش شده است که با یافته‌های پژوهش اسمعیلی، طاهری چمعالی، قاسمی نیائی و حقانی زمیدانی (۱۴۰۱) همسو بود که نشان داد نوجوانانی که دید مثبت‌تر و تعبیر منطقی‌تری از جوانب مثبت و منفی این رویداد داشتند با سوگ ناشی از طلاق والدین بهتر کنار آمدند. بر این اساس با پذیرفتن این مسئله که زندگی هر فردی تحت تأثیر رویدادهای اجتناب‌ناپذیری قرار می‌گیرد می‌توان واکنش و برخورد را نسبت به آن موقعیت و وضعیت مدیریت کرد. بدین ترتیب می‌توان اشاره نمود تاب‌آوری یکی از مولفه‌های سازگاری است و افراد تاب‌آور با برخورداری از مقاومت و ظرفیت بالا در تحمل شرایط سخت، بهتر و سریع‌تر از دیگران می‌توانند یک واقعه‌ی ناگوار را پشت سر بگذرانند و به روال عادی زندگی برگردند. همچنین تاب‌آوری موجب می‌شود که افراد به چالش‌های زندگی همانند طلاق والدین نگاه واقع‌بینانه و راه حل‌مدارانه‌ای داشته باشند و بتوانند با پذیرش مسائل حل‌نشده‌ی از آن‌گذر نمایند. پژوهش حاضر همسو با دیگر مطالعات نشان داد که شبکه‌های حمایتی شامل انواع ارتباطات بین‌فردی مانند حمایت و ارتباطات مؤثر همشیره‌ها، خانواده گسترده، دوستان و همسالان، ازدواج و تجربه صمیمیت در رابطه عاطفی نقش تعیین‌کننده‌ای در فرایند سازگاری فرزندان با طلاق والدین داشته است. نتایج پژوهش حاضر همچنین حاکی از آن بود که فرزندان طلاق‌ی که تک‌فرزند نبودند نسبت به تجربه طلاق والدین سازگاری بهتری نشان دادند؛ زیرا از حمایت‌های عاطفی و روانی همشیره‌های خود بهره‌مند بودند و حتی صمیمیت بیشتری را نسبت به قبل از طلاق والدین تجربه کردند و صرف‌زمان با خانواده گسترده و به اشتراک گذاشتن احساسات و افکار با آن‌ها را در زمینه سازگاری کمک‌کننده گزارش دادند و همچنین تأکید زیادی بر ارتباط اجتماعی و وجود دوستان خوب و همدل در سازگاری با طلاق والدین داشته‌اند. این یافته‌ها همسو با پژوهش‌های گرجین پور، علیپور،

جلوه و عبدی (۱۳۹۹) در مورد افزایش تعاملات بین فردی و دوستانه و ارتباط آن با انعطاف‌پذیری شناختی نوجوانان در زمینه پذیرش طلاق والدین و پات^۱ (۲۰۲۲) در زمینه نقش مؤثر همشیرها در سازگاری با طلاق است. بر این مبنا می‌توان اشاره کرد که تعاملات اجتماعی و شبکه‌های حمایتی فرصتی برای صحبت کردن و به اشتراک گذاشتن افکار و احساسات فرزندان طلاق مهیا می‌سازد و داشتن افرادی که زمینه حمایت، در میان گذاشتن احساسات و عواطف، احساس تعلق و دوست داشته شدن را در این شرایط فراهم می‌آورند از احساس تنهایی و طردشدگی آنها به واسطه طلاق والدین کاسته و به افراد در مواجهه با چالش‌ها کمک می‌کنند. یافته دیگر این پژوهش حاکی از نقش موقعیت اقتصادی فرد به‌عنوان یک عامل زمینه‌ساز در سازگاری با طلاق والدین است. بدین ترتیب افرادی که از نظر اقتصادی در وضعیت مناسب‌تری قرار داشتند، دغدغه‌مندی کمتری برای سازگاری را تجربه کردند؛ حال اینطور به نظر می‌رسد که وضعیت نامساعد اقتصادی به نوبه خود چالشی برای افراد است و در شرایط طلاق والدین این عامل بیش از پیش خود را نشان می‌دهد و شرایط مالی مطلوب قادر است امکانات و راهبردهای مقابله‌ای بیشتری مانند ثبت نام در کلاس‌های فوق برنامه، ورزشی و دریافت حمایت‌های روان‌درمانی را برای افراد فراهم کند و موجب آسودگی خاطر و دغدغه‌مندی کمتر آنها می‌شود.

بر پایه یافته‌های این پژوهش، مشارکت‌کنندگان کاهش تعارضات والدین پس از طلاق والدین را در سازگاری خود مثبت ارزیابی کرده‌اند. از این رو کیفیت والدگری، شامل همکاری والدین در زمینه رشد و پرورش فرزندان بعد از جدایی، پذیرش طلاق از سوی والدین و دورشدن از شرایط تنش‌زا خانواده و به دنبال آن رهایی از تعارضات طاقت‌فرسا در نتیجه طلاق والدین، زمینه سازگاری هر چه بیشتر این فرزندان را فراهم آورده است. این یافته

^۱ Potts, L.

ها همسو با یافته‌های کووا، فاین و زوو^۱ (۲۰۲۲) است که نشان دادند مشارکت و تعامل والدین برای تربیت فرزند در سازگاری آن‌ها با طلاق والدینشان، تأثیرات مطلوبی دارد. در تبیین یافته‌های حاضر می‌توان اشاره کرد که یکی از مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده عملکرد افراد پس از طلاق به این بستگی دارد که والدین آنها چقدر با هم کنار می‌آیند و در صورت سازگاری والدین با طلاق خودشان در حالی که احترام و همکاری متقابل در جهت تأمین نیازها، منافع و رشد فرزندانشان را مبنای خود قرار دهند، فرزندان راحت‌تر می‌توانند با عدم حضور پدر و مادر در کنار یکدیگر سازگار شوند و تجلی آن تنش‌های کمتری است که با آن‌ها روبه‌رو خواهند شد؛ بدین ترتیب طلاق والدین با وجود آنکه به منزله‌ی از بین رفتن چتر امنیتی فرزندان به شمار می‌رود ولی گاهی گسستن این پیوند به منزله‌ی پایان‌دادن به برخی مشکلات است و به نظر می‌رسد طلاق به‌عنوان راه نجات فرزندان در خانواده‌هایی که با تعارضات بسیاری رو به رو بوده‌اند محسوب می‌گردد؛ زیرا دیگر زندگی در یک خانه پر تنش را تجربه نمی‌کنند.

از دیگر یافته‌های این پژوهش می‌توان به راهبردهایی اشاره نمود که به فرزندان طلاق در رویارویی مؤثر با طلاق والدین کمک کرده است؛ بدین ترتیب مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر، به نقش معنویت و باور به وجود خدا، تخلیه هیجانی و ابراز احساسات، مطالعه، ورزش منظم، تغییر نگرش نسبت به طلاق والدین، پذیرش مسئولیت و نقش خود در زندگی در سازگاری با طلاق والدین اشاره کرده‌اند. در تبیین یافته‌های حاضر می‌توان گفت؛ راهبردهای مقابله‌ای فعال موجب تغییر نگاه به زندگی و طلاق والدین و در نتیجه کاهش انتظارات غیر واقع بینانه افراد گردیده و به مسئولیت و عاملیت افراد در جهت تغییر شرایط سخت منجر می‌شود. بدین ترتیب افراد متوجه می‌شوند که برای این که به روند طبیعی زندگی برگردند

^۱ Cao, H., Fine, M. A., & Zhou, N.

ابتدا خودشان باید تصمیم بگیرند و اقدام کنند؛ همان طور که فرانکل^۱ (۱۹۴۶) در کتاب «انسان در جست‌وجوی معنا» بدین شرح نوشته است: «این خصیصهٔ انسان است که با نگاه امیدوارانه به آینده، می‌تواند زنده بماند و همین مسئله موجب نجات او در لحظات سخت زندگی خواهد شد». باور فرد به عاملیت و نقش مؤثر خود در تغییر مسیر زندگی و حرکت به سمت پیشرفت و رشد موجب می‌شود که به طلاق والدین به‌عنوان شکست و توقف زندگی نگاه نکنند.

در نهایت مطابق اظهارات مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر، طلاق والدین شرایطی را ایجاد می‌نماید که در نتیجه سازگاری فرزندان با طلاق والدینشان موجب بلوغ، پختگی و استقلال روانی و مالی آن‌ها گردیده است. این یافته‌ها همسو با نظر کالهن و تدسچی^۲ (۲۰۰۶) است که تصریح کردند افرادی که دچار بحران‌های بزرگ در زندگی می‌شوند اغلب استرس پس از سانحه را گزارش می‌دهند که این تجربیات ناگوار و آسیب‌زا می‌توانند به‌عنوان تسهیلگر برای تغییرات مثبت باشند (هنسون، تروچوت و سانولو،^۳ ۲۰۲۱)؛ بدین ترتیب می‌توان اشاره نمود افرادی که طلاق والدین و چالش‌های مرتبط با آن را پشت سر می‌گذارند با عبور موفقیت‌آمیز از این مرحله زندگی، در حقیقت ظرفیت و توانایی‌های وجودی خودشان را رشد داده‌اند و با پیامدهای مثبتی همچون همدلی با دیگران و استقلال روانی بیشتری رو به رو هستند. در نهایت به نظر می‌رسد رشد پس از ضربهٔ طلاق، نتیجهٔ تلاش‌های فرد در جهت سازگاری با طلاق والدین است که با استقلال، جرئت‌ورزی و ساخت هویت جدید همراه است؛ زیرا توانسته‌اند از چالش طلاق والدین با موفقیت عبور کنند.

^۱ Frankl, V.

^۲ Calhoun, L. G., & Tedeschi, R. G.

^۳ Henson, C., Truchot, D., & Canevello, A.

محدودیت های پژوهش و ارائه پیشنهادها برای پژوهش های بعدی

پژوهش حاضر با محدودیت هایی رو به رو بوده است که از جمله ی آنها می توان به این مسئله اشاره کرد که سازگاری والدین در این پژوهش تنها در فرزندان دختر ساکن تهران و در سنین ۲۰ تا ۳۰ سال بررسی شده است که پیشنهاد می شود در سنین کودکی و نوجوانی و در فرزندان پسر نیز مورد بررسی قرار بگیرد.

سیاسگزاری

پژوهشگران مراتب قدردانی و تشکر خود را از همه مشارکت کنندگان پژوهش که در جهت گردآوری اطلاعات و داده ها همکاری نموده اند، اعلام می دارند.

تعارض منافع

نویسندگان این پژوهش هیچ گونه تعارض منافی در انجام و نگارش آن ندارند. نویسنده مسئول، مسئولیت کامل داده ها، اطلاعات و نتایج پژوهش را عهده دار می باشد.

منابع

اسمعیلی، معصومه؛ طاهری چمعالی، جیران؛ قاسمی نیائی، فاطمه و حقانی زمیدانی، مجتبی (۱۴۰۱). بررسی راهبردهای اثربخش نوجوانان در برخورد با سوگ ناشی از طلاق والدین. رویش

روانشناسی. ۱۱(۴): ۹۹-۱۰۶. <http://frooyesh.ir/article-1-3243-fa.html>

امانی، رزیتا؛ اعتمادی، عذرا؛ فاتحی زاده، مریم و بهرامی، فاطمه (۱۳۹۱). رابطه بین سبک های دلبستگی و سازگاری اجتماعی. روان شناسی بالینی و شخصیت، ۱۰(۱): ۱۵-۲۶.

http://cpap.shahed.ac.ir/article_2658.html

بلالی، طیه؛ اعتمادی، عذرا و فاتحی زاده، مریم السادات (۱۳۹۰). بررسی رابطه عوامل روان‌شناختی و جمعیت‌شناختی پیش‌بینی‌کننده سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقه شهر اصفهان. فرهنگ

مشاوره و روان‌درمانی، ۳(۱۱): ۵۳-۲۹. <https://doi.org/10.22054/qccpc.2011.5900>

زمانی زارچی، محمدصادق؛ غلامعلی لواسانی، مسعود؛ اژه‌ای، جواد؛ حسین زاده اسکویی، علی و صمدی کاشان، سحر (۱۳۹۷). فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی، ۱۲(۱): ۳۶-۲۴.

https://psychology.j.tabrizu.ac.ir/article_8617.html

عبدی، محمدرضا؛ تقی‌پور، ابراهیم و نظری، علی محمد (۱۳۹۲). تأثیر برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر میزان سازگاری آن‌ها با طلاق والدینشان. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۹(۳): ۳۵۸-۳۴۴.

https://jfr.sbu.ac.ir/article_97201.html

عزیزی، جابر (۱۴۰۰). بررسی تأثیر حسن خلق بر استحکام خانواده. نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی: تهران.

EPSCONF09_125

عیوض خانی، زهرا؛ سهرابی ملا یوسف، اسرا و جعفری کلیر، فاطمه (۱۴۰۰). مشکلات عاطفی، اجتماعی و هیجانی دانش‌آموزان تک‌والد طلاق در مدارس از دیدگاه دبیران دوره اول متوسطه، هفتمین کنفرانس بین‌المللی دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی:

دانشگاه تهران. ESPCONF07_105

قره داغی، علی و مبینی کشه، فریبا (۱۳۹۹). مقایسه شفافیت خودپنداره، نقش جنسیتی و بلوغ عاطفی در فرزندان با و بدون تجربه طلاق والدین. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۱(۴۲): ۲۶۰-۲۳۱.

doi: 10.22054/qccpc.2020.49446.2302

کریمی، محسن؛ محمدی، صمد؛ غضنفری، مریم و علی کرمی، مریم (۱۴۰۰). بررسی تأثیر طلاق والدین بر تحصیل و تربیت دانش‌آموزان. اولین کنفرانس بین‌المللی علوم تربیتی، روان‌شناسی و

علوم انسانی: پروکسل. EPHCONF01_164

گرجین پور، فاطمه؛ علی پور، غلامرضا؛ جلوه، مازیار و عبدی، منصور (۱۳۹۹). اثربخشی درمان مبتنی بر شفقت بر حرمت خود و انعطاف پذیری کنشی نوجوانان طلاق. *خانواده درمانی کاربردی*،

۱(۲): ۱-۲۲. <https://doi.org/10.22034/aftj.2020.113723>

نریمانی، محمد؛ عباسی، مسلم؛ ابوالقاسمی، عباس و احدی، بتول (۱۳۹۲). مقایسه اثربخشی آموزش پذیرش/ تعهد با آموزش تنظیم هیجان بر سازگاری دانش آموزان دارای اختلال ریاضی.

ناتوانی های یادگیری، ۲(۴): ۱۷۶-۱۵۴. JLD-2-4-92-5-9

یاریگرو، محیا (۱۴۰۱). تجربه زیسته زنان از زندگی خود و فرزندانشان پس از طلاق. *فرهنگ*

مشاوره و روان درمانی، ۱۳(۵۰): ۲۷۴-۲۵۳.

doi: 10.22054/qccpc.2022.62748.2761

- Afifi, T. D., Huber, F. N., & Ohs, J. (2006). Parents' and adolescents' communication with each other about divorce-related stressors and its impact on their ability to cope positively with the divorce. *Journal of Divorce & Remarriage*, 45(1-2), 1-30. https://doi.org/10.1300/J087v45n01_01
- Albanese, P. (2020). *Children in Canada Today* (3rd ed). Oxford University Press.
- Auersperg, F., Vlasak, T., Ponocny, I., & Barth, A. (2019). Long-term effects of parental divorce on mental health - a meta-analysis. *Journal of Psychiatric Research*, 119, 107-115. <https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2019.09.011>
- Cao, H., Fine, M. A., & Zhou, N. (2022). The Divorce Process and Child Adaptation Trajectory Typology (DPCATT) Model: The Shaping Role of Predivorce and Postdivorce Interparental Conflict. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 1-29. <https://doi.org/10.1007/s10567-022-00379-3>
- Crespin-Boucaud, J., & Hotte, R. (2021). Parental divorces and children's educational outcomes in Senegal. *World Development*, 145, 105483. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2021.105483>
- Dahlia, & Tartilla, N. (2020). Self-esteem and Coping Strategy among Adolescents as Victims of Parental Divorce. *In Proceedings of the 1st International Conference on Psychology-ICPsy*, 19-28.

- Dunlop, R. (2022). *Parental divorce at adolescence: a longitudinal study* (Doctoral dissertation, Macquarie University). <https://hdl.handle.net/10.25949/19427264.v1>
- Du Plooy, K., & Van Rensburg, E. (2015). Young adults' perception of coping with parental divorce: A retrospective study. *Journal of Divorce & Remarriage*, 56(6), 490-512. <https://doi.org/10.1080/10502556.2015.1058661>
- Garriga, A., & Pennoni, F. (2020). The causal effects of parental divorce and parental temporary separation on children's cognitive abilities and psychological well-being according to parental relationship quality. *Social Indicators Research*, 1–25. <https://doi.org/10.1007/s11205-020-02428-2>
- Henson, C., Truchot, D., & Canevello, A. (2021). What promotes post traumatic growth? A systematic review. *European Journal of Trauma & Dissociation*, 5(4), 100195. <https://doi.org/10.1016/j.ejtd.2020.100195>
- Karela, C., & Petrogiannis, K. (2020). Young children's emotional well-being after parental divorce: discrepancies between "resilient" and "vulnerable" children. *Journal of educational and developmental psychology*, 10(1), 1-18. <http://doi.org/10.5539/jedp.v10n1p18>
- O'Hara, K. L., Rhodes, C. A., Wolchik, S. A., Sandler, I. N., & Yun-Tein, J. (2021). Longitudinal effects of postdivorce interparental conflict on children's mental health problems through fear of abandonment: Does parenting quality play a buffering role?. *Child development*, 92(4) *Practice*, 14, 311–325. <https://doi.org/10.1111/cdev.13539>
- Potts, L. (2022). *Siblings Improve Adult Psychosocial Health of Individuals who Experienced Parental Divorce in Childhood* (Doctoral dissertation). <https://hdl.handle.net/2104/11868>
- Salvatore, J. E., Aggen, S. H., & Kendler, K. S. (2022). Role of parental divorce and discord in the intergenerational transmission of alcohol use disorder. *Drug and Alcohol Dependence*, 234, 109404. <https://doi.org/10.1016/j.drugalcdep.2022.109404>
- Sumari, M., R. Subramaniam, S. D., & Md Khalid, N. (2020). Coping with parental divorce: A study of adolescents in a collectivist culture of Malaysia. *Journal of Divorce & Remarriage*, 61(3), 186-205. <https://doi.org/10.1080/10502556.2019.1679595>

- Tullius, J. M., De Kroon, M. L., Almansa, J., & Reijneveld, S. A. (2022). Adolescents' mental health problems increase after parental divorce, not before, and persist until adulthood: a longitudinal TRAILS study. *European child & adolescent psychiatry*, 31(6), 969-978. <https://doi.org/10.1007/s00787-020-01715-0>
- Wibisono, N. B., & Napitupulu, S. S. (2022). The Moderating Role of Timespan since Parental Divorce on the Relationship between Self Compassion and Anxiety. *International Journal of Research and Innovation in Social Science*. 6(3), 145-152. <https://www.rsisinternational.org/virtual-library/papers/the-moderating-role-of-timespan-since-parental-divorce-on-the-relationship-between-self-compassion-and-anxiety/>

